بسمه تعالی

ظرفیت­های فرهنگ قرآنی احسان در مواجهه با همه­گیری کووید 19 در جامعه مومنین

با تکیه بر معناشناسی احسان

مسعود زین­العابدین؛ دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

امیرحسین منصوری؛ دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

دکتر محمد اسماعیل قاسمی طوسی؛ استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران

چکیده

همه­گیری کووید19 باعث تغییرات بسیاری در جوامع بشری شده است. پژوهش حاضر تلاش کرده است تا از رهگذر معناشناسی مفهوم احسان در قرآن کریم و شناسایی مفاهیم مندرج تحت حوزه معنایی آن، ظرفیت­های فرهنگی موجود در این مفهوم قرآنی را برای کمک به مقابله با آسیب­های فرهنگی و روحی و روانی ناشی از کووید19 معرفی نماید. مفهوم احسان از جامعیتی برخوردار است که در ایام همه­گیری، خواهد توانست دسته وسیعی از مفاهیم دیگر در فرهنگ دینی و سبک زندگی جامعه اسلامی را فعال نموده و اثرات مثبت تربیتی داشته باشد. مفهوم قرآنی احسان می­تواند از طریق مفاهیم مرتبطش همچون ایمان، تقوا، اقامه نماز، ایتاء زکات، یقین به آخرت، شب­زنده­داری و استغفار در سحرگاهان، ظرفیت­های درونی افراد و قوت درونی آن­ها برای مقابله با مشکلات را در ایشان افزایش دهد و از دیگرسو، با فعال کردنِ عناصری همچون عمل صالح، صبر، صدق، مجاهدت مالی و جانی در راه خدا، انفاق در راه خدا و دستگیری از سائل و محروم، و همچنین عفو، صفح و کظم غیظ مناسبات اجتماعی بین افراد را تقویت و تصحیح نماید و با افزایش انسجام اجتماعی و روحیه تعاون و دستگیری، به آنها در کاهش آلام ناشی از همه­گیری کرونا کمک کند.

واژگان کلیدی: احسان، کرونا، کووید19، قرآن، معناشناسی، صبر، ایمان، تقوا

1. بیان مسئله

کروناویروس­ها(Coronaviruses) خانواده بزرگی از ویروس­ها هستند که در دهه 1960 کشف شدند و آنچه امروز تحت عنوان ویروس کرونا شناخته شده است، آخرین نوع آن­ها می­باشد که در دسامبر 2019 در شهر ووهان چین با همه­گیری در میان انسان­ها شیوع و شهرت یافت. با عبور تعداد قربانیان ویروس کرونا از مرز هزار نفر، سازمان بهداشت جهانی برای بیماری ناشی از ویروس کرونا، نام رسمی کووید19(Covid-19) را انتخاب کرده است که اشاره­ای به کرونا، ویروس، بیماری و سال2019 دارد.

این بیماری با شیوع گسترده، قرنطینه جوامع، نهی مردم از ارتباط نزدیک با یکدیگر، محدود کردن میهمانی­ها و تعاملات اجتماعی انسان­ها، تعطیلی کسب و کارها، گسترش زیست مجازی به ویژه در حوزه کسب و کار و آموزش و... سبب تغییرات عمده و قابل توجهی در زیست انسان­ها به ویژه در حوزه فرهنگ جوامع شد. از این رو، بررسی این تغییرات و توجه به عوارض ناشی از آن و تاثیراتی که این تغییرات می­تواند در فرهنگ جوامع و ارزش­های اخلاقی داشته باشد، حائز اهمیت است.

تاکنون، بیشتر به آسیب­های ناشی از این همه­گیری پرداخت شده است ولیکن این مقاله در تلاش است تا به فرصتی که چنین بحران­هایی می­توانند برای افزایش سرمایه اجتماعی و زیست مومنانه انسان­ها ایجاد کنند، بپردازد. این مقاله تلاش خواهد کرد تا از منظرگاه شناختی و نظری به موضوع بپردازد لذا به حیطه مسائل عملی به معنی خاص کلمه ورود پیدا نخواهد کرد، بلکه تلاش خواهیم کرد ظرفیت­های نهفته معناییِ احسان را در موضوع بحران کرونا بازشناسی و بازخوانی کنیم تا ببینیم اگر این مفهوم قرآنی در سایه تلاش دین­داران وارد عرصه فرهنگ اجتماعی ما شود، چه آثار و پیامدهایی خواهد داشت و کدام بخش از ظرفیت­ها و ارزش­های فرهنگ دینی را فعال و تقویت خواهد کرد.

در این مقاله سعی داریم تا با معناشناسی مفهوم «احسان» با استفاده از آیات قرآنی، به این پرسش بپردازیم عالمگیری بیماری کوئید19 می­تواند چه تاثیری در بسط و توسعه عملیِ مفهوم قرآنی احسان داشته باشد و بالعکس، این مفهوم قرآنی می­تواند چه کارکردی در انسجام اجتماعی و کاهش آلام انسانی در عصر همه­گیری کرونا ایفا کند. اکنون که کرونا باعث ضعیف­شدنِ اقتصاد کشورهای مختلف، تعطیلی و کاهش درآمد برخی مشاغل شده، و افزایش فقر و نیاز جوامع بشری شده است، مفهوم احسان چه کارکرد فرهنگی در نجات جهان از شرایط موجود می­تواند داشته باشد. در این مسیر به برخی پرسش­های فرعی نیز خواهیم پرداخت که فضیلت احسان از چه تباری است و کدام مفاهیم قرآنی در ساختمان معنایی آن دخیل هستند؟ همچنین، کدام مولفه­های عمل صالح در ساختمان معنایی فضیلت احسان نقش پررنگ­تری دارند؟ از این رو، با روش معناشناسی به تحلیل معنای احسان در قرآن کریم خواهیم پرداخت و تلاش خواهیم کرد به این سوالات پاسخ دهیم.

1. **معنای احسان در قرآن**

ریشه (ح س ن) به صورت­های مختلفی مثل «حسنه»، «حسنات»، «حُسنَیَین»، «حِسان»، «حَسن»، «حُسن»، «احسَن»، «حُسنا»، «احسان» «محسن» و به صورت فعل­هایی مثل «حَسُنَ»، «اَحسَنَ»، «یُحسِنون» و...، در قرآن استعمال شده است و ما همه­ی آن­ها را احصاء و دسته­بندی نموده­ایم ولیکن از آن­جایی که ذکر همه آن­ها کمک شایانی به موضوع خاصِ پژوهش ما نمی­کند، معانی قابل استفاده از این کاربردها را به صورت اجمالی ذکر می­کنیم:

* زیبایی و جمال
* نیکی در برابر بدی
* اعمال نیک در برابر سیئات
* پیروزی در برابر شکست
* خوشی در برابر مصیبت
* رحمت در برابر عذاب
* بهتر و نیکوتر
* نعمت در برابر بلا و قحطی
* پیشامد خوش در برابر حادثه ناگوار
* ایثار و نیک رفتاری

از مجموع معانی فوق می­توان برداشت کرد که احسان معنی عامّی دارد و شامل هر نوع نیکی چه در افکار و نیّات و چه در اعمال و رفتارها می­شود.

در بیان جایگاه رفیع احسان ذکر این نکته کافی است که در قیامت، یکی از حسرت­های دوزخیان این است که کاش مجال می­داشتند به دنیا بازگردند و در زمره­ی محسنین قرار گیرند. آن­ها ندا سر خواهند داد:

أَوْ تَقُولَ حينَ تَرَى الْعَذابَ لَوْ أَنَّ لي‏ كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُحْسِنينَ؛ يا چون عذاب را ببيند، بگويد: كاش مرا برگشتى بود تا از نيكوكاران مى‏شدم.(زمر:58)

اما احسان در اصطلاح به چه معناست؟ برای پاسخ اجمالی به این پرسش، به صورت اجمالی بخش­هایی از *تفسیر اطیب­البیان* و *مجمع­البیان* را در این زمینه نقل می­کنیم تا با یک فهم حداقلی به بررسی آیات وارد شویم:

در *تفسیر اطیب­البیان* می­خوانیم:

«احسان به معنى نفع رسانيدن به غير است و با حسن فرق دارد؛ زيرا در حسن لازم نيست كه خوبى به غير برسد بلكه نفسِ فعل كه نيكو باشد اطلاق حسن بر آن مي­شود مثلا عذاب كفار و معاندين در روز قيامت يا استيفاء دِين از مديون يا اجراء حدود، حسن است لكن احسان نيست. و در حديث مروى از كافى، محسنين به مقتصدين تفسير شده و از اين بيان معلوم مي­گردد كه مجرّد ايصال نفع به غير، احسان نيست بلكه فعل، هم بايد داراى حسن باشد؛ هم از جهت فاعل كه قبح عقلى يا ذمّ شرعى نداشته باشد، و هم از جهت قابل كه محل قابليت احسان داشته باشد».(طیّب،سیّدعبدالحسین،1378،ج‏2،ص363)

در *تفسیر مجمع­البیان* نیز می­خوانیم «محسن كسى است كه با اطاعت حق به خويشتن نيكى مي­كند و گفته‏اند: يعنى احسان­كننده به ديگرى».(طبرسى،1372،ج4،ص288)

حال با این مقدّمه به معناشناسی احسان طبق آیات قرآن کریم می­پردازیم:

1. بررسی ساختمان معنا و مفاهیم مندرج در حوزه معنایی احسان

ما در این پژوهش، همه آیاتی را که ریشه «ح س ن» در آنها به کار رفته است، بررسی کرده­ایم تا از رهگذر یک بررسی جامع، به معناشناسی دقیقی از مفهوم احسان دست یابیم. در این مسیر، به ابعاد مختلفی همچون ریشه­ها، ثمرات و نتایج، بشارت­های اخروی برای اهل احسان، معنای خاص احسان به عنوان یک حالت یا مقام عرفانی و سلوکی و... دست یافتیم اما با توجه به ضیق عنوان این مقاله از ذکر آنها چشم­پوشی می­کنیم و صرفا به بررسی مفاهیم مندرج تحت حوزه معنایی مفهوم احسان می­پردازیم.

مفاهیم مندرج و مرتبط با ساختمان معنایی احسان را می­توان از یک منظر به دو دسته تقسیم کرد. بخشی از این مفاهیم، به مثابه منشا، ریشه و زیربنا برای مفهوم احسان هستند و بخشی دیگر را می­توان به عنوان مصداق، مفهومی مندرج تحت ساختمان معنایی احسان دانست. لذا گرچه ما در این پژوهش همه آنها را تحت عنوان کلی مفاهیم مرتبط بررسی خواهیم کرد ولیکن در معرفی، به این دسته­بندی پایبند خواهیم بود:

* 1. **تبارشناسی احسان**

بخشی از مفاهیم مرتبط با حوزه معنایی احسان، جایگاه اساسی­تری دارند و می­توان از آنها برای پاسخ به این پرسش­ها بهره برد که منشأ احسان کجاست؟ وقتی آیات قرآن را بررسی می­نماییم به چهار پاسخ می­رسیم که همه­ی آن­ها در عنصر «تقوا» مشترک بوده، و در عنصر دوم با هم اختلاف دارند:

احسان؛ محصول ایمان و تقوا

بر اساس آیه­ی زیر، احسان محصول تلفیق ایمان و تقوا می­باشد:

قُلْ يا عِبادِ الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذينَ أَحْسَنُوا في‏ هذِهِ الدُّنْيا حَسَنَةٌ... ؛ بگو: اى بندگان من كه ايمان آورده‏ايد، از پروردگارتان پروا بداريد. براى كسانى كه در اين دنيا خوبى كرده‏اند، نيكى خواهد بود(زمر:10)

در این آیه به بندگانِ مؤمن، دستورِ تقوا داده شده و در نهایت، مؤمنانِ متّقی، با عنوان محسنین معرفی شده­اند. پس طبق این آیه، احسان تلفیقی است از ایمان و تقوا.

احسان؛ محصول صبر و تقوا

آیه زیر مربوط به زمانی است که حضرت یوسف(ع) خود را به برادرانش معرفی می­کند:

قالُوا أَ إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هذا أَخي‏ قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَ يَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لا يُضيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنينَ؛گفتند: آيا تو خودِ يوسفى؟ گفت: من يوسفم و اين برادر من است. به راستى خدا بر ما منّت نهاده است. بى‏گمان، هر كه تقوا و صبر پيشه كند، خدا پاداش نيكوكاران را تباه نمى‏كند.(یوسف:90)

در این آیه، تقوا و صبر با هم ذکر شده است و گویی هیچ­یک بدون دیگری کامل نیست. همچنین بیان شده اگر کسی تقوا و صبر داشت، خدا اجر محسنین را ضایع نمی­کند. پس می­توان استنباط کرد که برای مجموع صبر و تقوا، عنوان محسنین استعمال شده است.

احسان؛ محصول صدق و تقوا

در آیه­ی زیر صدق، تصدیق، تقوا، احسان و عمل مورد استفاده قرار گرفته است:

وَ الَّذِى جَاءَ بِالصِّدْقِ وَ صَدَّقَ بِهِ أُوْلَئكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ\*لهَم مَّا يَشَاءُونَ عِندَ رَبهِّمْ ذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ\*؛و آن كس كه راستى آورد و آن را باور نمود، آنانند كه خود پرهيزگارانند\*براى آنان، هرچه بخواهند پيش پروردگارشان خواهد بود. اين است پاداش نيكوكاران\*(زمر:34-33)

می­بینیم که در این آیات، درباره صدق در سخن و تصدیق سخنِ صدق، بحث شده است که از مصادیق عمل صالح محسوب می­شوند. همچنین کسانی را که این ویژگی­ها را دارا هستند، متّقین نامگذاری شده­اند. سپس در آیه بعدی از کسانی که صدق و تقوا را با هم دارند، به عنوان محسنین نام برده شده است. طباطبائی در تفسیر این آیه، عمل صالح را ظهورِ احسان دانسته که آن هم(احسان) به عنوان وصف متّقین به کار گرفته شده است. لذا نکته­ای که در این آیه وجود دارد این است که، صدق و تصدیق، با تقوا یکی قلمداد شده­اند، یعنی صدق و تصدیق در تقوا مستتر هستند و متّقینی که صدق را در خود تقویت کنند به مقام احسان می­رسند.

احسان؛ تقوای توأم با عمل صالح

یکی دیگر از ترکیب­هایی که در مورد احسان وجود دارد بدین شرح است:

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فىِ ظِلَالٍ وَ عُيُونٍ\*وَ فَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتهَونَ\*كلُواْ وَ اشْرَبُواْ هَنِيَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ\*إِنَّا كَذَالِكَ نجَزِى المْحْسِنِينَ\*؛اهل تقوا در زير سايه‏ها و بر كنار چشمه‏سارانند\*با هر ميوه‏اى كه خوش داشته باشند\*به[پاداش‏] آن­چه مى‏كرديد، بخوريد و بياشاميد گواراتان باد\*ما نيكوكاران را چنين پاداش مى‏دهيم\*(مرسلات:44-41)

در این آیات ابتدا سخن از تقوا، سپس عمل و سپس احسان به میان آمده است. بدین صورت که اعمال صالح، به عنوان علتِ بهشتی­شدنِ متّقین بیان شده است و در آیه بعد، متّقینی که به پاداش آنان اشاره شد، به عنوان «محسنین» نام برده شده­اند. یعنی متّقین به خاطر اعمال صالحشان اهل بهشت می­شوند و متّقینِ صالح­العمل را می­توان در یک کلمه، «محسنین» نامید. متّقینی که متّصف به اعمال صالح می­شوند، به مقام احسان داخل می­گردند.[[1]](#footnote-1)

جمع­بندی تبارشناسی احسان

همان­طور که دیدیم طبق آیات فوق، احسان از تلفیق تقوا با یکی از مفاهیم ایمان، صبر، صدق، عمل صالح پدید می­آید. اما جمع و توجیه این چهار عنصر چگونه امکان­پذیر می­باشد؟

به نظر می­رسد عنصر اصلی که در کنار تقوا، احسان را پدید می­آورد ایمان باشد یعنی از تلفیق ایمان و تقوا، احسان به وجود می­آید. به عبارتی مؤمنینِ متّقی، «محسن» نام دارند و سایر مفاهیم ذیل مفهوم ایمان قابل تعریفند. ایمان و عمل صالح دو مفهوم در هم تنیده هستند و در قرآن، هر جا سخن از ایمان به میان آمده است، عمل صالح نیز لحاظ گردیده است.[[2]](#footnote-2) یعنی اعمال در صورتی تأثیر خود را دارند که برگرفته از ایمان باشند. از دیگرسو اگر ایمان، برون­دادِ عملی نداشته و در قالب اعمال صالح در زندگی فردِ مؤمن تجلّی نیابد، خاصیت بسیار اندکی دارد و صرفا واجد بار حقوقی است. از سویی، عمل صالح دارای یک جلوه ویژه و سهم بسزا در ساختمان معنایی احسان است و اگر انسانِ مؤمن بتواند به درجه­ای برسد که اعمال صالح او فزونی یابند و اعتقادات قلبی او در قالب اعمال صالح برون­دادِ حداکثری یابند، وی از تلفیق ایمانش با اعمال صالحی که به دست می­آورد به مقام احسان نائل خواهد آمد. پس احسان، تلفیق تقوا با ایمانی است که به صورت حداکثری در قالب عمل صالح تجلی بیرونی پیدا می­کند و از بین اعمال صالحِ مقویِ احسان، دو عنصر «صبر» و «صدق» دارای جایگاه بارز و خاص هستند.

لذا برداشت نهایی این است که مفهوم احسان با دسته مهمی از سایر مفاهیم قرآنی در یک ارتباط زنده معنایی قرار دارد که رشد و تقویت هر یک از آنها در تقویت احسان موثر خواهد بود. این مفاهیم مرتبط که در یک حوزه معنایی قرار دارند و جزو ریشه­های احسان محسوب می­شوند، از این قرار هستند:

* تقوا
* ایمان
* عمل صالح
* صبر
* صدق

حال در ادامه با بررسی دسته دیگری از آیات، و از یک منظر دیگر به شناسایی سایر مفاهیم مرتبط با حوزه معنایی احسان می­پردازیم:

* 1. مصادیق و مؤلّفه­های مورد تاکیدِ عمل صالح در احسان

گفتیم که دسته دوم از مفاهیم مرتبط با حوزه معنایی احسان، به مثابه مصداق هستند. همچنین به نقش والای عمل صالح در معنی احسان اشاره نمودیم. اکنون درصدد بررسی دقیق­تر مولفه­های عمل صالح مندرج در تحت حوزه معنایی احسان هستیم تا از این رهگذر، دسته دیگری از مفاهیم قرآنی مرتبط با این کلیدواژه مهم قرآنی را استخراج کنیم. ما در بررسی آیات قرآن به این نتیجه دست یافتیم که برخی آیات وجود دارند که مصادیقی از احسان و عمل صالح را برشمرده­اند و بیان این مصادیق، نشان­گر جایگاه رفیع آن­ها در معنای احسان می­باشد. این مصادیق می­توانند به عنوان ویژگی­ها و خصوصیات اهل احسان نیز قلمداد شوند. اکنون این ویژگی­ها یا مصادیق را بیان می­کنیم:

صبر

پیش­تر جایگاه صبر را در ساختمان معنایی احسان، در حد منشا و عامل تولید مفهوم احسان معرفی کردیم اما صبر به استناد آیات دیگر، تا حدی اهمیت دارد که با احسان یکی دانسته شده و جزو مصادیق آن نیز محسوب می­شود و لذا مجدد در این بخش نیز آورده شده است. به این آیه توجه کنید:

وَ اصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لا يُضيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنينَ؛و شكيبايى كن، كه خداوند پاداش نيكوكاران را ضايع نخواهد كرد.(هود:115)

می­بینیم طبق این آیه، صبر و احسان معادل یکدیگر معرفی شده­اند و صبر مصداق اتم احسان قلمداد می­شود.

مجاهدت در راه خدا

از دیگر مصادیق احسان، جهاد و کوشش در راه خدا می­باشد:

وَ الَّذينَ جاهَدُوا فينا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنا وَ إِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنينَ؛و آن­ها كه در راه ما(با خلوص نيّت)جهاد كنند، قطعاً به راه‏هاى خود، هدايتشان خواهيم كرد و خداوند با نيكوكاران است.(عنکبوت:69)

در آیه­ی فوق، جهاد و مجاهدت و کوشش در راه خدا با احسان معادل گرفته شده است. به همین سیاق، در آیات 120 و 121 سوره توبه نیز جهاد نظامی، جهاد با اموال، و همه­ی زحماتی که انسان در راه خدا متحمل می­شود، به عنوان مصادیق احسان معرفی شده است.

انفاق در راه خدا

سخاوت و انفاق در راه خدا، مصداق دیگری است که برای احسان بیان شده است:

وَ أَنْفِقُوا في‏ سَبيلِ اللَّهِ وَ لا تُلْقُوا بِأَيْديكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنينَ؛و در راه خدا انفاق كنيد، و خود را با دست خود به هلاكت ميفكنيد، و نيكى كنيد كه خدا نيكوكاران را دوست مى‏دارد.(بقره:195)

در جهاد، به همان اندازه كه به مردان مجاهد و مخلص نیاز وجود دارد، به تجهیزات و امکانات نیز احتیاج هست، لذا این آیه دستور می­دهد که در راه خدا انفاق كنيد و خود را به دست خويش به هلاكت نيفكنيد و به کسانی که اسلحه ندارند، انفاق کنید تا بتوانند در جهاد شرکت کنند. در پایان آیه نیز انفاق به عنوان مصداق احسان جمع­بندی شده است.

عفو، صفح و کظم غیظ

عفو، صفح و گذشت یکی دیگر از مصادیق احسان به شمار آمده است. به آیه زیر که توصیه­ای به پیامبر(ص) در قبال خیانت و پیمان­شکنی دشمنان است، توجه کنید:

...فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنينَ؛ پس، از آنان درگذر و چشم­پوشى كن كه خدا نيكوكاران را دوست مى‏دارد.(مائده:13)

می­بینیم که عفو و صفح با احسان معادل گرفته شده است. یا در آیات زیر، در کنار عفو و انفاق که قبلا نیز بدان اشاره شد، کنترل هیجانات و فروبردن خشم نیز به عنوان مصداق دیگری برای احسان ذکر شده است:

...لِلْمُتَّقِينَ\*الَّذينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ الْكاظِمينَ الْغَيْظَ وَ الْعافينَ عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنينَ\* متقین؛ همانان كه در فراخى و تنگى انفاق مى‏كنند و خشم خود را فرو مى‏برند و از مردم در مى‏گذرند و خداوند نكوكاران را دوست دارد(آل­عمران:134-133)

در این آیات، پس از دعوت به سرعت­گرفتن در کسب مغفرت و بهشت الهی که برای متّقین تدارک دیده شده است، چند ویژگی از ویژگی­های پرهیزکاران را برمی­شمرد و پس از ذکر کظم غیظ و عفو، چنین افرادی را محسن قلمداد می­کند.

اقامه نماز، ایتاء زکات، یقین به آخرت

مصادیق دیگر احسان انجام اعمال عبادی همچون نماز و زکات، و نیز یقین­داشتن به آخرت است:

هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ\*الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَوةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَوةَ وَ هُم بِالاَخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ\*؛[قرآن‏]براى نيكوكاران رهنمود و رحمتى است\*[همان‏]كسانى كه نماز برپا مى‏دارند و زكات مى‏دهند، و[هم‏]ايشانند كه به آخرت يقين دارند\*(لقمان:4-3)

همان­طور که می­بینیم در آیات فوق اقامه نماز، ایتاء زکات و یقین به آخرت به عنوان ویژگی­های محسنین معرفی شده است.

شب­زنده­داری، استغفار در سحرگاهان، دستگیری از سائل و محروم

مصداق دیگر احسان، اعمال صالحی است که مربوط به سلوک عرفانی است. به عنوان مثال به ویژگی­های مطرح­شده در آیات زیر توجه کنید:

...محُسِنِينَ\*كاَنُواْ قَلِيلًا مِّنَ الَّيْلِ مَا يهَجَعُونَ\*وَ بِالْأَسحْارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ\*وَ فىِ أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائلِ وَ المْحْرُومِ\*؛نيكوكار بودند\*و از شب، اندكى را مى‏غنودند\*و در سحرگاهان[از خدا]طلب آمرزش مى‏كردند\*و در اموالشان براى سائل و محروم حقّى [معيّن‏] بود\*(ذاریات:19-16)

می­بینیم که در این آیات سخن از عبادات و اعمال معمولی نیست، بلکه افقی والاتر مطرح می­شود و محسنین کسانی معرفی می­شوند که اهل تهجّد و شب­زنده­داری هستند، در سحرگاهان استغفار می­کنند و اهل دستگیری از محرومان و سائلان هستند و اصلاً از اموال خود حقّی برای آنان قائل هستند.

* 1. جمع­بندی عناصر دخیل در ساختمان معنایی احسان در قرآن کریم

تا اینجا با استفاده از آیات قرآن بدین نتیجه رسیدیم که مفهوم احسان، با دایره وسیعی از مفاهیم قرآنی در ارتباط است و این مفاهیم را در تحت گستره معنایی خود دارد. این مفاهیمِ مرتبط که یا مصداق احسان و یا منشاء آن هستند، از این قرارند:

* ایمان
* تقوا
* عمل صالح
* صبر
* صدق
* مجاهدت مالی و جانی در راه خدا
* انفاق در راه خدا و دستگیری از سائل و محروم
* عفو، صفح و کظم غیظ
* اقامه نماز
* ایتاء زکات
* یقین به آخرت
* شب­زنده­داری و استغفار در سحرگاهان

جمع­بندی

تا اینجا با مراجعه به آیات قرآن، عناصر دخیل در ساختمان معنایی مفهوم احسان را احصاء کردیم. این شناسایی از چند جهت به ما کمک می­کند:

اولا به ما کمک می­کند تا در معرفی و تبیین و تفسیر مفهوم قرآنی احسان، درک واضح و متمایزی از چیستی احسان و ابعاد مختلف آن داشته باشیم. اکنون با این بررسی می­توانیم مستند به آیات قرآن بدانیم که اگر در بسط فرهنگ دینی و ارزش­های اخلاقی اسلامی، اگر بخواهیم موفق به توسعه و ترویج احسان در جامعه شویم، بایستی کدام عناصر فرهنگی و مفاهیم قرآنی را معرفی و ترویج کنیم تا بتوانیم از یک منظومه در هم تنیده به نام احسان برخوردار باشیم.

ثانیا این بررسی به ما کمک می­کند تا نتایج ضمنیِ معرفی و گسترش فرهنگ احسان را برشمریم. معناشناسی احسان بدین شیوه، ما را به این نتیجه می­رساند که بسط فرهنگ احسان، در عمل بسط چه مفاهیمی در جامعه است.

ثالثا این جمع­بندی حاکی از آن است که احسان، می­تواند مفهومی بنیادی­تر، کاربردی­تر و جامع­تر از سایر مفاهیم قرآنی در مواجهه با شرایط کرونایی باشد چرا که مفهومی است جامع که می­تواند با فعال­کردنِ عناصر مختلفی همچون ایمان، تقوا، اقامه نماز، ایتاء زکات، یقین به آخرت، شب­زنده­داری و استغفار در سحرگاهان ظرفیت­های درونی افراد و قوت درونی آن­ها برای مقابله با مشکلات را در آنها افزایش دهد و از دیگرسو، با فعال کردنِ عناصری همچون عمل صالح، صبر، صدق، مجاهدت مالی و جانی در راه خدا، انفاق در راه خدا و دستگیری از سائل و محروم، و همچنین عفو، صفح و کظم غیظ مناسبات اجتماعی بین افراد را تقویت و تصحیح نماید و با افزایش انسجام اجتماعی و روحیه تعاون و دستگیری، به آنها در کاهش آلام ناشی از همه­گیری کرونا کمک کند. وجه اول، انسان­ها را در برابر آلام و تغییرات ناشی از همه­گیری کرونا قوی­تر می­کند و وجه دوم، به آنها کمک می­کند تا با دستگیری از یکدیگر و مشارکت فعال اجتماعی، از طبقات آسیب­دیده از این همه­گیری که در اثر مشکلات ناشی از بیماری یا مشکلات اقتصادی ناشی از تغییرات جامعه دچار مشکلات عدیده­ای شده­اند، حمایت نمایند. شاهد عملی این مدعا، مشاهده انسجام اجتماعی است که در جامعه ما پس از این همه­گیری ایجاد در قالب مواسات، بخشودگی اجاره بهای مشاغل و... بودیم.

آنچه که در بین عناصر و در مقام مقایسه از اهمیت بسیار بالایی در عبور از بحران فردی و به ویژه بحران اجتماعی برخوردار است و تجربه زیسته یک ساله کرونا نیز گواه آن است عامل بسیار تاثیر گذار صبر است که می­تواند ما و همه بشریت را از بحران بهداشتی کنونی عبور دهد. صبر آحاد مردم در حصار خانه و شهرها و روستاهای خویش، مسافرت نرفتن، تحمل کمبودها، برخورد شجاعانه با شروع بیماری و ... ضریب ایمنی را بالا می­برد و سطح درگیری را کاهش می­دهد. و نیز اسقامت و صبر بیماران و نترسیدن از بیماری و مهمتر از همه صبر و استقامت کادر ایثارگر و فداکار درمان حاکی از این است که عنصر صبر در گردونه احسان، یکی از کلیدی­ترین عناصر است. در روایات نیز آمده است: «الصبر مفتاح الفرج»(مجلسی،محمدباقر،1403ق، ج‏68، ص75). همچنین مستند به پژوهش­های متعدد علمی، انگیزه­های دینی و جهان­بینی توحیدی از طریق مفاهیمی همچون صبر، ایمان، تقوا، عمل صالح و توکل می­تواند تاثیر بسزایی در قدرت مقاومت و ایستادگی در برابر مشکلات و محدودیت­های کرونایی داشته باشد.

منابع

1. قرآن. ترجمۀ محمّدمهدیِ فولادوند.
2. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع­البيان في تفسير القرآن. ترجمه­ی مترجمان، تحقیق رضا ستوده. جلد 4. تهران: انتشارات فراهانی. چاپ اول. (1360).
3. طیّب، سید عبدالحسین. اطیب البیان فی تفسیر القرآن. جلد 2، تهران: انتشارات اسلام. چاپ دوم. (1378).
4. مجلسی، محمدباقر. بحار الأنوار الجامعة لدُرر اخبار الائمة الاطهار. جلد 68 . تهران: دار إحياء التراث العربي‏. (1403 قمری).
1. . آیات 30الی32سوره نحل نیز برای تبیین این مطلب مفید هستند. [↑](#footnote-ref-1)
2. . به عنوان مثال در آیه 124 سوره نساء می­خوانیم: «وَ مَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثى‏ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ لا يُظْلَمُونَ نَقيراً». [↑](#footnote-ref-2)